



**عباس انجم شجاع هم‌زم شهید مردم‌دار مثل حاج قاسم**

کلام و حرکات شهید سلیمانی فرهنگی و اخلاقی بود. وقتی برای سخنرانی در جلسات مختلف با ایشان بودیم و حاج‌قاسم می‌خواست صحبت کند، یک سکوت مطلق برقرار می‌شد. صحبت‌های حاجی چیز دیگری بود، در کار خیر به محض اینکه متوجه می‌شد خانواده شهید یا رزمنده و جانبازی مشکلی دارد تا جایی که امکان داشت، سعی می‌کرد مشکلاتش را حل کند. گاهی هم برخی مشکل اخلاقی داشتند، وقتی حاج‌قاسم چند جلسه با آنها صحبت می‌کرد، طرف کاملاً دگرگون می‌شد. گاهی هم طرف وقتی مشکل مالی داشت، سعی می‌کرد به هر طریقی که شده با واسطه دوستان مشکل را حل کند. گاهی هم اگر خودش از تهران می‌آمد، کارت هدیه‌ای داشت و از کارت‌ها به افراد می‌داد تا مشکل‌شان را حل کنند. کاملاً دست‌محبت و خیر داشت. سه سال پیش که پدرشان زنده بود، محصول زیادی برایشان کنار گذاشت، ولی همه را بین فقا و نیازمندان تقسیم کرد. وقتی در باغ پدری‌شان حرکت می‌کرد، اصلاً به محصولات باغبان باغ نمی‌کرد و در دید دیگری بود. یکبار وقتی حاجی را دید نام یکی از شخصیت‌های سیاسی امریکا را روی سگ گذاشت که حاجی عصبانی شد و گفت دیگر این حرف را تکرار نکنید. حاجی اخلاقی به این قضیه نگاه می‌کرد. حاضر نبود به هیچ‌کس بی‌احترامی کند و عنوان نامناسبی به انسانی حتی دشمنش داده شود. تا این اندازه مواظب و مراقب بود. گاهی

در خیابانی می‌خواستیم برای مراسم روز خاصی برویم اگر کسی می‌خواست مسیر را باز کند، حاجی ناراحت می‌شد و می‌گفت چرا این کار را می‌کنید. حاج‌قاسم می‌گفت مگر من چه کسی هستم که می‌خواهی راه را برایم باز کنی، من از همین مردم و از بین مردم هم بیرون می‌روم. نمی‌خواست خودش را از مردم جدا ببیند یا مردم فکر کنند حاجی با چه تشکیلاتی و تشریفاتی آمده است. اگر مراسم خاصی بود، حاج‌قاسم حضور پیدا می‌کرد. مثلاً اگر سخنران روز ۲۲بهمن نبود، خیلی راحت بین مردم راهپیمایی می‌کرد و بعد مستقیم به جایگاه می‌رفت و سخنرانی می‌کرد. در ایام فاطمیه پنج شب روزه داشت، اگر مردم مشکلی داشتند قبل از مراسم می‌آمدند و حاجی مردم را می‌دید و تا اندازه‌ای که می‌توانست مشکل‌شان را حل می‌کرد، اگر هم نمی‌توانست، می‌گفت این مربوط به من نیست و نمی‌توانم کاری انجام دهم. گاهی هم برای ایشان نامه می‌بردند و بعد حاجی می‌گفت نامه‌ها را جمع کنید. ما هم همه

را بسته‌بندی می‌کردیم و حاجی با خودش به تهران می‌برد تا جواب‌شان را بدهد. طوری نبود که بی‌تفاوت باشد تا جایی که می‌توانست گره کار مردم را باز می‌کرد.

**سردار «اکبر عرب‌نژاد» مسئول مهندسی لشکر ۴۱ تارالله (ع)**

**فرمانده قلب‌ها بود**

حاج‌قاسم بر‌خورد خیلی خوب و جذابی با نیروها داشت و به لحاظ شخصیتی به گونه‌ای بود که نیروها جذب ایشان می‌شدند. هنر ذاتی حاج‌قاسم همین قدرت جذب بالا نبود. اگر کسی با ایشان بر‌خورد می‌کرد جذب رفتار و شخصیت حاج‌قاسم می‌شد. در کنار ویژگی‌های شخصیتی، قدرت فرماندهی‌شان در جنگ برای نیروها بسیار جذاب بود. ابتکار آتی که انجام

خاطراتی از سردار شهیدقاسم سلیمانی از زبان هم‌زمانش به مناسبت روز پاسدار

## «پاسدار» تمام عیار



**علیرضا محمدی**

**سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی** یکبار در خصوص پاسدار شهید حاج‌مهدی زندی‌نیا خاطره جالبی تعریف می‌کرد. او می‌گفت در سال ۶۵وقتی قرار شد حاج مهدی را به عنوان پاسدار نمونه لشکر معرفی کنیم با گر به پیش من آمد و گفت: «چرا با چنین انتخابی من را شرم‌نده کردید؟» حالا که روز پاسدار دیگری از راه رسیده و حاج قاسم دیگر در کنار ما نیست، هرچه گشتیم، نتوانستیم نمونه‌تر از او در کسوت پاسداری کسی را بیابیم و معرفی کنیم. پاسداری به نام حاج قاسم سلیمانی که چهار دهه جانش را کف دستش گرفت و در میادین مختلف از اسلام و ایران اسلامی دفاع کرد. خاطرات سه تن از هم‌زمان شهید سلیمانی را پیش رو دارید.

خودشان جلوی می‌آمدند و خواستار صحبت و شیمانی می‌شدند.

در دفاع مقدس به تنها فرمانده لشکر بود، بلکه در تنگناهای جنگ به درستی فرماندهی جنگ را انجام می‌داد. بارها دیدم در سخت‌ترین درگیری‌ها و شرایط، تمام فرماندهان دور ایشان جمع می‌شدند و حاج‌قاسم به آنها ایده و تدبیر می‌داد. حضور ایشان و اعمال نظرایشان باعث موفقیت ما در صحنه‌های گوناگون بود. سردار سلیمانی همانند دیگر فرماندهان دفاع مقدس همواره در خط مقدم حضور داشت. در جریان عملیات کربلای ۵ یک هفته داخل یک کانال

در خط‌مقدم بود و به سختی با دشمن مبارزه می‌کرد. حضور ایشان و لشکر ۴۱ تارالله(ع)

در عملیات کربلای ۵و دیگر عملیات‌ها بسیار مهم و سرنوشت‌ساز بود. ایشان نیروهایش را طوری هدایت می‌کرد که وقتی به خط دشمن می‌زدند، متکند بود که موفق نشوند و خط دشمن سقوط نکند.

سردار سلیمانی هنر جنگیدن و مقاومت را به صورت ذاتی داشت. در بحران‌ها خیلی خوب تصمیم می‌گرفت و هر جا بحران بود و ایشان پا می‌گذاشت، نتیجه خوبی حاصل می‌شد. در جریان زلزله بم جزو اولین کسانی بود که در صحنه حاضر شد و به دنبال سسر و سامان دادن به اوضاع شهر و مردم بود. هر جا مشکلی پیش می‌آمد حاج‌قاسم بدون سروصدا و هیاهو خودش را می‌رساند و به دنبال کمک و خدمت‌رسانی بود. در جریان عملیات منجلی من با ایشان بودم و گروه گروه اشرا را مسلح می‌آمدند و خودشان را تسلیم می‌کردند. حتی شیوه فرماندهی و شخصیت ایشان به گونه‌ای بود که آنها را هم جذب خودشان می‌کرد، یعنی وقتی آنها می‌دیدند با چه کسی طرف هستند و می‌فهمیدند حاج‌قاسم چطور آدمی است،



**امین شادرو**  
**مقاومت**  
ارتباط با ما: ۸۸۴۹۸۴۱

**د**

در دفاع مقدس اگر از دشمن یعنی اسیر می‌گرفتیم و اگر کسی با این اسیران بدرفتاری می‌کرد، حاج‌قاسم به شدت ناراحت می‌شد، به حدی که انگار با او بدرفتاری شده‌است. در جریان حلبچه در جلسه‌ای به همه تأکید کرد اگر کسی به زندگی و مغازه مردم دست درازی کند، همانجا به شدیدترین شکل با او برخورد می‌شود

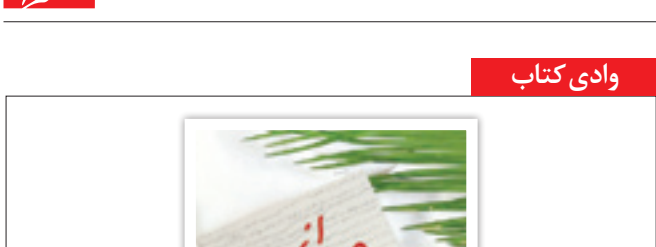
حوزه فرهنگی انجام داد که همگی ماندگار هستند. در بحث برگزاری کنگره شهدا و سرداران، استان کرمان اولین استانی بود که به همت حاج قاسم کنگره شهدایش را بر گزار کرد. کاشی‌کاری تصاویر شهیدا از کارهای ماندگار حاج قاسم است. همان اوایل اتمام دفاع مقدس، یک نشریه به نام هفته‌نامه «تارالله» منتشر کردیم که مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را هم داشت و روی کیوسک‌ها می‌رفت. اتفاقاً اقبال مردمی به این نشریه هم خوب بود. حاج قاسم به عنوان فرمانده لشکر، مدیر مسئول آن بود. ساخت موزه دفاع مقدس کرمان از دیگر کارهای فرهنگی ماندگار حاج قاسم است. الان شما آمار موزه‌های دفاع مقدس سراسر کشور را که مرور کنید، می‌بینید غیر از تهران و برخی استان‌های مرزی مثل خوزستان و کرمانشاه، کرمان یکی از اولین استان‌هایی است که موزه دفاع مقدس خود را به همت حاج قاسم سلیمانی بنا کرد. ساخت این موزه در سال ۷۶انجام گرفت. فضای داخلی آن هشتت تالار دارد که بنده مسئول ساخت آنها بودم. یادم است هشت روز مانده به کنگره شهدای کرمان، خیلی از کارهای موزه از قبیل بهترین سازی، قاب‌سازی و... روی زمین مانده بود. حاج قاسم بنده را مسئول کرد و من هم با یک تیم ۳۰ نفره شبانه‌روز کار کردیم تا افتتاح آن را به زمان کنگره شهدا برسانیم. آن زمان حاج‌قاسم آرتور گردن شدیدی گرفته بود، چون من احدی را به داخل موزه راه نمی‌دادم، ایشان می‌آمد کنار ستونی بیرون در موزه دراز می‌کشید و به یکی از دوستان می‌گفت، طوری نماز جمعه در شرایط جنگی و همین طور حفظ روحیه رزمندگان و بالا بردن روحیه معنوی در فضای جبهه‌ها از جمله تأکیداتی بود که ایشان همواره ما را به آن توصیه می‌کرد. او حتی پس از پایان دفاع مقدس نیز این روحیه را با جدیت خاصی حفظ کرده بود.

بعد از جنگ، حاج‌قاسم چند کار شاخص در

**د**

شهید سلیمانی در طول دفاع مقدس نگاه ویژه‌ای به مسائل فرهنگی داشت. توجه او به برگزاری نماز جمعه در شرایط جنگی و همین طور حفظ روحیه رزمندگان و بالا بردن روحیه معنوی در فضای جبهه‌ها از جمله تأکیداتی بود که ایشان همواره ما را به آن توصیه می‌کرد. او حتی پس از پایان دفاع مقدس نیز این روحیه را با جدیت خاصی حفظ کرده بود.

بعد از جنگ، حاج‌قاسم چند کار شاخص در



**عباس انجم شجاع هم‌زم شهید مردم‌دار مثل حاج قاسم**



نگاهی به کتاب «از چیزی نمی‌ترسیم»

### دستنوشته‌های یک پاسدار نمونه

**غلامحسین بهبودی**

**سردار شهیدحاج‌قاسم سلیمانی** به‌عنوان یک پاسدار نمونه، یعنی آن کسی که عمرش را وقف حراست و پاسداری از انقلاب و ایران اسلامی کرد، زندگی پر فراز و نشیبی داشت. او که از هنر نویسندگی بهره‌هایی داشت، اقدام به نگارش خاطرات خود کرده بود. اخیراً دستنوشته‌هایش توسط بنیاد حاج‌قاسم تبدیل به کتابی تحت عنوان «از چیزی نمی‌ترسیم» شده است. با هم نگاهی به داشته‌های این کتاب می‌اندازیم.

حال دندنان فروجه بودیم. ما درم زمستان‌ها مقداری مانده خشک شده که مثل سنگ بود به ما می‌داد.

در این کتاب حدوداً ۱۴۰ صفحه‌ای، علاوه بر آشنایی با برگ‌هایی از زندگی سردار شهیدحاج قاسم سلیمانی با آداب و رسوم مردم روستایی استان کرمان و فقر و نداری آنها در دوران طاغوت نیز آشنا می‌شویم. کتاب دو بخش عمده دارد؛ بخش اول کتاب با بخش تایپ شده خاطرات حاج‌قاسم که ۵۶ صفحه می‌شود و بخش دوم استناد روایت‌ها، در کتاب گنجانده شد.

زندگی شهیدسلیمانی در ۱۳ سالگی دچار تحول می‌شود. او در این سن و سال کم‌تصمیم می‌گیرد برای پرداختن ۹۰۰ تومان بدهی پدرش به بانک، روستا را ترک کند و به کرمان برود. آنجا بافضای بازتری آشنا می‌شود که رفته‌رفته قاسم نوجوان را به تفکرات سیاسی و مخالفت با رژیم حاکم می‌کشاند. این بخش از زندگی شهیدسلیمانی هم باسختی‌های بسیاری همراه است.

ابتدا کارگر ساختمان‌سازی شد.بعد در آشپزخانه یک هتل مشغول می‌شود و نهایتاً در بخش کتورخوانی سازمان آب کار می‌کند. رفته‌رفته که بزرگ‌تر می‌شود، با قاسم موجود در جامعه و ظلمی که حکومت طاغوت به مردم روا می‌کرد، از طریق دوستانش آشنا می‌شود و فعالیت‌های انقلابی‌اش را از اواسط دهه ۵۰ شروع می‌کند. قاسم که نوجوانی خوش‌بین بود، روزش باستانی و کاراته کار می‌کرد، اتفاقی برای اولین بار در زورخانه تصویر اسام را از یک جوان انقلابی می‌گیرد و بعد از آن شب و روزش را با نگاه به این تصویر می‌گذراند و عاشق مکتب امام می‌شود. کتاب تاورد قاسم ۲۰ و اندی ساله به کود مبارزه با مأموران شاه به نقطه‌ای ج خود می‌رسد، اما در همین جاست که خاطرات حاج‌قاسم تمام می‌شود. ننه اینکه به پایان برسد، او تا همین جا فرصت می‌کند که با دست‌مجروحش خاطراتش را بنویسد.

**د**

در خودنگاشت حاج قاسم، با زندگی شخصی آشنا می‌شویم که از کودکی پا به پای بزرگ‌ترها کار کرده و سختی‌های بسیاری را پشت‌سر گذاشته است. محیط زندگی شان کوهستانی بودوزمستان‌های سختی داشت. در یکی از همین زمستان‌های سرد نیز قاسم خردسال سرخچه می‌گیرد و تا پای مرگ پیش می‌رود، به‌طوری‌که پدر و مادرش امیدبی به شفاییش پیدا نمی‌کنند، اما خواست خدا بود که او بماند و «قاسم سلیمانی» شود. در بخشی از کتاب می‌خوانیم «بعضی وقت‌ها از شدت سرما، چادرشپ یا چادر مادرمان را دورمان می‌گرفتیم. مادرم با چارقد خودش دور سرم را محکم می‌بست که به تعبیر خودش، باد در گوش‌هایم نرود. از شدت سرما دلم در

**د**

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۴۰

				۵						۳
				۱						۷
			۳	۵						۸
				۹						
				۲						۶
				۷						۲
				۱					۳	
				۹					۲	
				۲						

#### جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به‌کار روند.

#### جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۶۴۳۹

۸	۵	۷	۶	۳	۱	۴	۲	۵	۸	۷
۵	۶	۳	۱	۸	۷	۲	۴	۹	۳	۵
۳	۱	۷	۵	۸	۶	۲	۴	۹	۳	۵
۵	۶	۳	۱	۸	۷	۲	۴	۹	۳	۵
۳	۱	۷	۵	۸	۶	۲	۴	۹	۳	۵
۵	۶	۳	۱	۸	۷	۲	۴	۹	۳	۵
۳	۱	۷	۵	۸	۶	۲	۴	۹	۳	۵
۵	۶	۳	۱	۸	۷	۲	۴	۹	۳	۵
۳	۱	۷	۵	۸	۶	۲	۴	۹	۳	۵
۵	۶	۳	۱	۸	۷	۲	۴	۹	۳	۵
۳	۱	۷	۵	۸	۶	۲	۴	۹	۳	۵
۵	۶	۳	۱	۸	۷	۲	۴	۹	۳	۵
۳	۱	۷	۵	۸	۶	۲	۴	۹	۳	۵
۵	۶	۳	۱	۸	۷	۲	۴	۹	۳	۵
۳	۱	۷	۵	۸	۶	۲	۴	۹	۳	۵

#### از راست به چپ

۱- ازاده کربلا- از روزهای هفته- سنگ قبر ■ ۲- ساحل بی سرتو- نام قدیم مشکین‌شهر- کاپیتان فقید اسبق فوتبال ایران ■ ۳- ثامن‌الائمه- شهری در ترکیه- مرغ می‌رود ■ ۴- همسایه الجزایر و سنگال- قسمت چوبی اسلحه ■ ۵- شاعرملی و مبارز شیلی مؤلف من هستم - مادر حضرت رسول- کیوتر صحرائی ■ ۶- نای آست بی‌زبان به لیش جان فرو.../بر بط زبان و رست عذاب از جهان کشد - غلاف شمشیر- طبقه‌بندی ■ ۷- پستی، تباهی - خدای هندو- تیراندازی کردن ■ ۸- افروذن انگلیسی- سرسبزی- سیر و گشت- پسوند شباهت ■ ۹- افسانه- مالدار- شهری در امریک ■ ۱۰- هر چیز نوظهور- سنگ بزرگ- گاهی مهربان‌تر از مادر می‌شود ■ ۱۱- نوعی موتور- طبقه زمین- همیشگی ■ ۱۲- کتاب کوچک- از کاخ‌های تخت جمشید ■ ۱۳- خسیس- اثر جامی- زشت ■ ۱۴- از زبان‌های زنده دنیا- افسار- حرف انتخاب ■ ۱۵- از نام‌های خورشید- پهلوان طبرستانی عهد عباسیان- از مصالح ساختمانی

#### از بالا به پایین

۱- پشت‌میز نشین - ضرب‌های در ال‌ببال- نام قدیم سوریه ■ ۲- مهم‌ترین عامل ماندگاری و صلابت انقلاب اسلامی در جهان امروز ■ ۳- رود مرزی ایران و عراق- یادها- جرب ■ ۴- صورت- نمک سازگار با غده تیروئید- واحد اندازه‌گیری صدا ■ ۵- انجمن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی - پسر خورشید در اوستا- با فیه ■ ۶- قانون مغولی- بسیار کشنده- پایتخت تبت ■ ۷- خشخاش- علامت اختصاری نیروی نظامی- خرد و کوچک ■ ۸- ستاره برزیلی پاری‌سن‌ژرمن - گیره مو ■ ۹- پول موجود- گیاه- نام گاندی ■ ۱۰- جرقه- تپهکار- بیدار ■ ۱۱- شتر تندرو- نوعی ادویه- عالی ■ ۱۲- چراغ‌آویز- دارای گنجایش، فراخ- جوی خون ■ ۱۳- از طوایف میور- علم احصائیه- جنگل درختان سوزنی برگ ■ ۱۴- نخستین فرمانده نظامی کشورمان که نشان ذوالفقار را با دست رهبر معظم انقلاب بر سینه‌نشانند ■ ۱۵- بام زاگرس- فراهم- ترکیب آب در ساختار شیمیایی